**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه بیست و هفتم\_13آذر 1397**

در جلسات گذشته در مورد مفهوم شرط و مفهوم وصف در آیۀ مبارکۀ نباء مباحثی مطرح شد، هنوز ما به جمع بندی نهایی نرسیده ایم. مرحوم سید یزدی سه جلد کتاب اصولی دارد به نام حاشیه فرائد الاصول ج 1، ص 432:

(گاهی نسبت به مقام اصولی مرحوم سید تردید می کنند وبیشتر مقام فقهی او را آشکار می کنند ولی الان این سه جلد را که مراجعه کنید عمق مطالب ایشان روشن می شود اگر چه با دقت هایی که در عروه هست هم می توان این برداشت را داشت.)

مرحوم سید در این آدرسی که داده شد از کلام شیخ انصاری در رسائل یک برداشت می کند، صراحت کلام شیخ این است که آیه یا مفهوم وصف و یا مفهوم شرط. سید از کلام شیخ استنباط کرده است مفهوم سومی را برای آیه نباء.

و آن مفهوم تعلیل است. یعنی شیخ مفهوم وصف و شرط را صراحتا بیان کرده است و مفهوم تعلیل را به مناسبتی اشاره دارد و آن اشاره را مرحوم سید از کلام آخوند برداشت کرده است.

تقریرات بحث جناب آیت الله شبیری تاریخ 14 آذر 95، ایشان بعد از ذکر یک مقدماتی بیان فرمایش سید را دارد که استنباط کرده است از کلام شیخ اعظم:

شیخ اشکال را مطرح می کند و می گوید بر فرض اینکه آیه مفهوم شرط و وصف داشته باشد، تعارض می کند با تعلیلی که در آیه هست. چون ما باشیم و " ان تصیبوا قوما بجهالة ..." هر خبری که مامون نباشیم از عمل به آن که پشیمان می شویم، یعنی احتمال پشیمانی بدهیم باید تبین و تحقیق بشود چون شما می گویید العلةُ تُعمّ و تُخصّ. این که نباید احساس پشیمانی در آینده بکنیم این اختصاص به خبر فاسق ندارد، هر جا که احساس کردی شاید پشیمانی باشد باید تحقیق بکنی. چون در خبر واحد عادل هم شما که علم و یقین نداری، پس احتمال اینکه آینده پشیمان بشوم، عملم بر طبق علم نباشد می دهم پس تبینوا. مفهوم شرط بر فرض قبول و مفهوم وصف بر فرض قبول می گوید شما خبر واحد فاسق را تبین کنید لا العادل. در حالی که عموم تعلیل {و ان شئت فقل مفهوم تعلیل} تعمیم می دهد و می گوید هر جا که "ان تصیبوا قوما بجهاله..." بود "فتبینوا". در خبر متواتر چنین چیزی نیست اما در خبر واحد عادل علم که نمی آید، یقین که نمی آید پس احتمال این که من به مشکل بر بخورم و پاسخ خدا را نداشته باشم که بدهم، پشیمان بشوم هست، برای اینکه پاسخ خدا را در روز قیامت به درستی بدهم و پشیمان نشوم، قرآن راهش را مشخص کرده است که تبینوا. پس این عموم تعلیل می جنگد با مفهوم وصف و مفهوم شرط و بعد از تعارض هم ترجیح با این تعلیل است نه با آن مفهوم.

مرحوم سید در ذیل کلام شیخ که می فرماید و المحکی فی الوجه الاستدلال بها وجها یکی مفهوم وصف و دیگری شرط.

سید می گوید وجوه ثلاثة. او ل و دومش که مشخص است چیست.

الثالث الاستدلال بها بمقتضا مفهوم التعلیل کما یستشعر من کلام مصنف فی خلال بعض الایرادات ...

اشکال رسائل ج 1 ص 258:

الثانی: تعارض المفهوم و التعلیل این را عده ایی گفته اند من انّا لو سلّمنا دلالة المفهوم علی قبول خبر العادل الغیر المفید للعلم لکن نقول ان مقتضا عموم التعلیل التبین فی کل خبر لا یامن الوقوع فی الندم ... و ان کان المخبر عادلا

و در خبر واحد عادل چون علم نداریم از حالا احتمال پشیمانی روز قیامت را می دهم.

فیعارض المفهوم و الترجیح مع ظهور التعلیل.

یعنی شما هر جا یک ظاهر داشتید و یک اظهر، اظهر بر ظاهر مقدم است. آنی که آیه برش تاکید دارد آن تعلیل است و آن مهم تر است.

این اشکالی است که عده ایی مطرح کرده اند.

شیخ اعظم به دنبال جواب از این اشکال است. می گوید عده ایی گفته اند اصلا آیه تعلیلش بر آن چیزی که شما گفتید نیست. چون شما جهالت را به معنای ضد علم گرفتید. و می گویید این جهالت در خبر واحد هم هست. اشکال شما این است که خیال کردید کلمه جهالت در قرآن کریم هر جا آمد ضد علم و مقابل علم است در حال که کلمه جهالت در قرآن و روایات مقابل عقل هم آمده است، یعنی سفاهت و این جا جهالت در برابر عقل است یعین سفاهت. کاری که فطرت عقلی انسان آن را قبول ندارد.

ثم ان المحکی عن بعض منع دلالة التعلیل علی عدم الجواز الاقدام علی ما هو مخالف الواقع بانّ المراد بالجالة السفاهة و فعل ما لا یجوز فعله لا مقابل العلم بدلیل قوله تعالی فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین و لو کان المراد الغلط فی الاعتقاد، لما جاز الاعتماد علی الشهادة و الفتوا پس مراد از این جا جهالت به معنای سفاهت است.

سید که گفت از بعضی جواب های آینده شیخ برداشت می کنیم منظور ش همین عبارت است و ان این است که من از درون این عبارت مفهوم تعلیل را برداشت می کنم.

می گویم این آیه کریمه فرموده است هر جا که کار جاهلانه یعنی سفیهانه و منجر به ندامت و پشیمانی بود ممنوع بود. تعلیل دارد. عمل به خبر فاسق سفیهانه جاهلانه و همراه ندامت است. اما عمل به خبر واحد که این جور نیست. خبر عادل که سفیهانه نیست و پشیمانی در بر ندارد. آنی که مشکل بود جهل در برابر علم بود و این جا جهل در برابر علم نیست بلکه در برابر عقل است.

مثال مفهوم تعلیل: لا تاکل الرمان لانه حامض.

آیت الله شبیری دو اشکال به این حرف و مفهوم تعلیل دارد. ایشان پایه "العلةُ تعمّ و تخصّ" را میزند.

ایشان اولش فرق می گذارد بین احترازیت در قیود و مفهوم. احتراز در قیود احترازیت و انتفاء شخص است و در مفهوم احترازیت و انتفاء سنخ حکم است.

ایشان می گوید:

در همین مثال الرمان. شما میخواهید بگویید چون رمان انصراف به ترش داشت، طبیب ممنوع کرد حال تعلیل می آید توسعه و تضییق می دهد. ایشان می گوید نهایتا این جمله می گوید انار نخور چون ترش است. ولی از کجای این جمله شما در می آوری که انار های شیرین جایز الاکل است شاید برای این بیمار انار های شیرین هم از جای دیگر ممنوع باشد.

عبارت ایشان:

به نظر ما چنین اتسفاده ایی نمی شود کرد و علت نسبت به حکم باقی افراد ساکت است و اثباتا و نفیا در بارۀ آن ها حکمی نمی کند بلکه باید از ادله دیگر حکم آن افراد را پیدا کرد. در نتیجه ممکن است بر طبق دلیل دیگر آن افراد غیر متعارف به مناط دیگری حرام باشد، با بیان فوق واضح می شود که مفهوم علت، از مفاهیم نیست که مورد بحث است مثل مفهوم شرط. زیرا علت تنها مخصص شخص حکم است و نافی سنخ حکم در مواردی که علت وجود ندارد نیست.

حال بیایید در آیه کریمه با توجه به این اشکال می گوید در آیه به مفهوم تعلیل تمسک نکن و آیه فقط می گوید عمل به خبر فاسق سفاهت است، هر جا سفاهت نبود، شخص این تبینوا که مال خبر فاسق است نیست، اما دلالت نمی کند که سنخ حکم به لزوم تبین با انتفاء علت منتفی بشود بلکه نسبت به حکم مواردی که اخذ به خبر مصداق سفاهت نیست، آیه ساکت است. ممکن است شما در خبر عادل تبین را داشته باشید ولی نه به ملاک تبین در خبر فاسق بلکه به یک ملاک دیگری.

مناقشه دوم ایشان به سید است که:

اگر ما بپذیریم که سنخ حکم هم می رود. این نفی مختص به همان موضوع خاص می باشد. لا تاکل الرمان لانه حامض. نهایتا بگوییم انار های شیرین اشکالی ندارد ولی از کجا می خواهید بگویید چیز های شیرین دیگر را می توانید بخورید.

در آیه خودمان کَأَنَّ سید می خواهد بگوید تنها مانع برای اخذ به یک خبر چه عادل و چه فاسق این است که سفاهت نباشد، کانه هر جا سفاهت نبود هر خبری را بدون تبین قبول کنید؛ چون تنها مانع در اینجا سفاهت است. این توسعه ایی که سید می دهد و این مفهوم تعلیلی که او می دهد صحیح نیست. زیرا خبر عادل موضوعی غیر از موضوع معلل است. علت نهایتاً دلالت بر نفی سنخ حکم از همان موضوع خاص بکند. یعنی خبر های فاسقی که سفاهت ندارد، آن عمل بهش جایز بشود اما دلالت ندارد که اخذ به اخبار عادل اگر مصداق سفاهت نبود، این هم اشکال ندارد.

ان شاء الله جلسه آینده عرض خودمان را خواهیم داشت.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.